روزنامه فرهنگی - اجتماعی صبح ایران
صاحب‌امتیاز: سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران
مدیر مسئول: یوسف قوچانی غروی

جام جم

شنبه ۲۲ فروردین ۱۴۰۵ | ۲۲ رمضان ۱۴۴۷
۱۲ صفحه روزنامه
سال بیست‌وششم | شماره ۷۲۹۳
Saturday | 11 April | 2026

تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدیر، شماره ۱۲۹ ■ تلفن: ۲۳۰۰۴۰۰۰-۰۲۱
دورنگار تحریریه: ۲۳۰۰۴۴۳۳ ■ سازمان توزیع: ۶۱۹۳۳۰۰۰ ■ کدپستی: ۱۹۱۱۶۱۸۴۱۳
امور مشترکین: ۶۱۹۳۳۱۱۴ ■ سازمان آگهی‌ها: ۴۹۱۰۵۰۰۰ ■ شماره پیامک: ۳۰۰۰۱۱۲۴۰

تلفن گویا: ۲۳۰۰۴۴۴۴
چاپ: چاپخانه روزنامه جام جم
شاپا: ISSN1735-3637

پایگاه اطلاع‌رسانی روزنامه: www.jamejamdaily.ir
پست الکترونیکی: info@jamejamdaily.ir

توسعه ایران روی روان دشمن

چرا دشمن آمریکایی - صهیونی به نمادهای توسعه ایران حمله کرد؟

حمله دشمن آمریکایی - صهیونی به «نمادهای توسعه» ایران، از زیرساخت‌های صنعتی و انرژی گرفته تا مراکز تحقیقاتی و فناوری، به‌عنوان یک الگوی تازه در تقابل با تهران مطرح شده است؛ الگویی که حتی در بسیاری از درگیری‌های معاصر جهان نیز کمتر با این صراحت و تمرکز دیده شده است. در هفته‌های اخیر، هدف قرار گرفتن برخی مراکز کلیدی که به‌عنوان نشانه‌های پیشرفت صنعتی و فناوری ایران شناخته می‌شوند، بار دیگر این پرسش را پیش کشیده که چرا چنین اهدافی در اولویت قرار گرفته‌اند و این تغییر رویکرد چه معنایی دارد.

بیچارگی در میدان

در میان تحلیل‌های موجود، یک دیدگاه پررنگ این است که این اقدامات بازتابی از محدود شدن گزینه‌های راهبردی آمریکا در میدان تقابل با ایران است. براساس این تحلیل، هنگامی که دستیابی به اهداف کلان‌تر با دشواری روبه‌رو می‌شود، تمرکز به سمت اهدافی سوق پیدا می‌کند که در عین هزینه کمتر، اثرگذاری نمادین و اقتصادی بیشتری دارند. در این چارچوب، نمادهای توسعه به‌دلیل پیوند مستقیم با زندگی مردم و تصویر پیشرفت ملی، به اهدافی جذاب برای اعمال فشار تبدیل می‌شوند.

جبران ناکامی یا تغییر تاکتیک؟

در ادامه این تحلیل، برخی ناظران حمله به زیرساخت‌های توسعه‌ای را نوعی «جبران ناکامی» در عرصه‌های دیگر می‌دانند. آمریکا در سال‌های اخیر با پیچیدگی‌های فزاینده‌ای در منطقه مواجه بوده است؛ از محدودیت در ورود به جنگ‌های گسترده جدید گرفته تا افزایش هزینه‌های سیاسی و اقتصادی در داخل. در چنین شرایطی، ضربه زدن به پروژه‌هایی که به‌عنوان دستاوردهای ملی ایران معرفی می‌شوند، می‌تواند به‌عنوان تلاشی برای نمایش قدرت و بازسازی بازدارندگی تعبیر شود. از این منظر، هدف قرار دادن این زیرساخت‌ها تنها یک اقدام نظامی نیست بلکه حامل پیام‌هایی چندلایه است. این حملات می‌کوشند نشان دهند که حتی دستاوردهای غیرنظامی و توسعه‌ای نیز در برابر فشارهای خارجی مصون نیستند! به همین دلیل، برخی تحلیلگران این رویکرد را نه صرفا یک تاکتیک نظامی بلکه بخشی از یک استراتژی فشار ترکیبی می‌دانند که ابزارهای سخت و نرم را به‌طور هم‌زمان به‌کار می‌گیرد.

توسعه زیر فشار دشمن

با این حال، این رویکرد تنها به بُعد نظامی محدود نمی‌شود. تحلیلگران معتقدند که چنین اقداماتی به‌طور همزمان بخشی از یک «جنگ روایت‌ها» نیز هست. وقتی یک نیروگاه، مرکز صنعتی یا پروژه زیرساختی هدف قرار می‌گیرد، پیام آن صرفا تخریب فیزیکی نیست؛ بلکه تلاشی برای اثرگذاری بر ادراک عمومی است. در این میان، یک روایت تلاش می‌کند چنین القا کند که مسیر توسعه ایران آسیب‌پذیر است اما در مقابل، روایت دیگری شکل می‌گیرد که بر تداوم پیشرفت حتی در شرایط فشار و تحریم تأکید دارد. نمونه‌هایی مانند انستیتو پاستور به‌عنوان یک مرکز باسابقه در تولید واکسن، پل B1 کرج با ویژگی‌های مهندسی بومی و مجتمع فولاد مبارکه به‌عنوان یکی از ستون‌های صنعتی کشور، تنها پروژه‌های فنی نیستند؛ بلکه نمادهایی از توان داخلی و استمرار توسعه به‌شمار می‌روند. هدف قرار دادن چنین مراکزی، در این چارچوب، نه‌فقط یک حمله فیزیکی، بلکه ضربه‌ای به تصویر پیشرفت ملی تلقی می‌شود.

آتش‌تهیه روانی؛ زمینه‌سازی پیش از حمله

در کنار ابعاد نظامی و اقتصادی، بُعد روانی این رویکرد نیز قابل توجه است. برخی تحلیل‌ها بر این نکته تأکید دارند که پیش از هرگونه حمله فیزیکی به زیرساخت‌ها، نوعی «آتش‌تهیه روانی» در فضای رسانه‌ای و افکار عمومی شکل می‌گیرد. در این مرحله، تلاش می‌شود قبح حمله به زیرساخت‌های حیاتی کاهش یابد و حساسیت جامعه نسبت به این اهداف تضعیف شود. در این چارچوب، ماشین تبلیغاتی تلاش می‌کند حس تعلق ملی را نسبت به این زیرساخت‌ها کمرنگ کند. برای مثال، این‌گونه القا می‌شود که نهادهای علمی، عمرانی و صنعتی لزوما متعلق به مردم نیستند بلکه صرفا بخشی از ساختار حاکمیت هستند. در نتیجه، تخریب یک بیمارستان، پل یا مرکز صنعتی ممکن است در ذهن برخی افراد نه به‌عنوان نابودی دارایی ملی، بلکه به‌عنوان ضربه‌ای به یک ساختار سیاسی تعبیر شود! این تغییر در ادراک، می‌تواند زمینه را برای پذیرش یا بی‌تفاوتی نسبت به چنین حملاتی فراهم کند.

پیامدهای یک جنایت

با وجود تمام این تحلیل‌ها، هدف قرار دادن نمادهای توسعه، راهبردی جنایت‌گونه محسوب می‌شود. از یک سو، این اقدامات می‌تواند به افزایش فشار اقتصادی و روانی بر جامعه منجر شود اما از سوی دیگر، احتمال تقویت همبستگی داخلی و بازتولید گفتمان مقاومت نیز وجود دارد. تجربه‌های گذشته نشان داده‌اند که فشار خارجی، به‌ویژه زمانی که زیرساخت‌های حیاتی را هدف قرار می‌دهد، لزوما به تضعیف داخلی منجر نمی‌شود و در برخی موارد حتی نتیجه معکوس داشته است.

در سطح کلان، این رویکرد نشان‌دهنده ورود تقابل‌ها به مرحله‌ای پیچیده‌تر است؛ مرحله‌ای که در آن، مرز میان اهداف نظامی و غیرنظامی کمرنگ‌تر شده و «نمادها» به اندازه «میدان‌ها» اهمیت یافته‌اند.

اوقات شرعی

اذان ظهر: ۱۲:۰۵	نیمه شب شرعی: ۲۳:۲۱
غروب آفتاب: ۱۸:۳۴	اذان صبح فردا: ۰۴:۰۸
اذان مغرب: ۱۸:۵۳	طلوع خورشید فردا: ۰۵:۳۶

امروز در تاریخ

- تأسیس بنیاد مستضعفان / ۱۳۵۷
- روز ملی حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان

حکمت

- امام علی(ع): کوتاهی کردن، مصیبت توانایان است.
أعلام‌الدین

واحه

- جسم خاکی مانع عمر سبک‌رفتار نیست
پیش این سیلاب کِی دیوار می‌ماند به جا؟
صائب تبریزی

شمیم رحمت

- پیامبر اکرم(ص): هرکس بخشی از کار مسلمانان را برعهده بگیرد و در کار آنها مانند کار خود دلسوزی نکند، بوی بهشت را استشمام نخواهد کرد./ کنزالعمال

وصیت شهدا

- شهید محمدحسن ولیخانی

پروردگارا، در این ایثار خون‌ها، در این میثاق خون با خون، مرا در وصلت عشقم پیوندی آسمانی ده، مرا با گرمی خونم درون خاک آشنایی ده که من مشتاق این وصلم، که من مجنون این عشقم.

نکته روز

فرار از رسوایی

ملانیا ترامپ ثابت کرد دلیل جنگ با ایران، سرپوش بر رسوایی اپستین است

در تازه‌ترین جنجال رسانه‌ای، جو روگان، پادکستر مشهور آمریکایی، می‌گوید حرف‌های ملانیا ترامپ درباره عدم ارتباط با اپستین نشان می‌دهد یکی از دلایل مهم آغاز جنگ، سرپوش گذاشتن بر رسوایی جفری اپستین بوده است. روگان در یکی از قسمت‌های اخیر پادکست خود، در گفت‌وگو با کمدین آرسنیو هال، مدعی شد که آغاز جنگ می‌تواند نوعی «انحراف افکار عمومی» از موضوعات حساس داخلی، به‌ویژه اسناد اپستین، باشد. او گفت: «وقتی فایل‌های اپستین منتشر می‌شود، ما وارد جنگ با ایران می‌شویم؛ این راه خوبی است برای این‌که مردم از بعضی مسائل دیگر دست بکشند.» در این گفت‌وگو، هر دو تأکید کردند که نحوه مدیریت روایت سیاسی در چنین شرایطی اهمیت زیادی دارد و می‌تواند توجه افکار عمومی را از یک بحران به بحران دیگر منتقل کند. روگان همچنین به این نکته اشاره کرد که در حالی که برخی روزنامه‌نگاران به‌خاطر پوشش جنگ تحت فشار قرار می‌گیرند، هنوز هیچ فرد مهمی به‌دلیل نقش احتمالی در پرونده اپستین محاکمه نشده است. این اظهارات در شرایطی مطرح می‌شود که دولت ترامپ همچنان از سیاست‌های خود در قبال ایران دفاع می‌کند و مدعی است اقدام نظامی ضروری بوده است. در مقابل، برخی از چهره‌های رسانه‌ای و حتی حامیان سابق ترامپ، از جمله روگان، به‌شدت از این تصمیم انتقاد کرده‌اند اما حرف‌های یکباره ملانیا ترامپ در دفاع از خود در رابطه با اپستین این گزاره روگان را تقویت کرده است. بسیاری از جمله خود او می‌گویند دفاع عجیب و یکباره ملانیا، نشان‌دهنده صحت این گزاره است. در ماه‌های اخیر انتشار اسناد مرتبط با اپستین که به شبکه‌ای از افراد بانفوذ و ارتباطات جنجالی اشاره دارد بحث‌های گسترده‌ای را در آمریکا برانگیخته است. برخی منتقدان بر این باورند که این پرونده هنوز به‌طور کامل بررسی نشده و بسیاری از ابعاد آن پنهان مانده است. اظهارات روگان بازتاب‌دهنده دیدگاهی است که در میان بخشی از افکار عمومی آمریکا نیز دیده می‌شود؛ این‌که دولت‌ها گاهی از بحران‌های خارجی برای منحرف کردن توجه از مشکلات داخلی استفاده می‌کنند.

موسیقی

طنین حماسه در ضربان موسیقی

حمیدرضا نوربخش: تولیدات موسیقایی اخیر، علاوه براین که روایتگر شرح داغ و درد هستند، رنگ و بوی حماسی نیز دارند

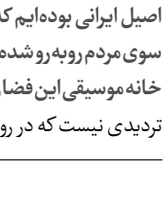

آزاده صالحی
گروه فرهنگ و هنر

از زمان شروع جنگ اخیر تاامروز، کم نبوده‌اند هنرمندانی که تلاش کرده‌اند به سهم خود به ساخت و خوانش قطعاتی بپردازند که درعین این که یادآور روزهای تلخ کنونی است، از بار معنایی حماسه و مقاومت هم برخوردار باشد و اقشار مختلف جامعه را در این شرایط دشوار به‌سمت امید سوق دهد. از «حسبی‌الله» محسن چاووشی تا تارنوازی علی قمصری در نیروگاهی در دماوند و فعالیت دیگر هنرمندان می‌توان این‌طور برداشت کرد که موسیقی از معدود هنرهایی است که در حساس‌ترین برهه‌های تاریخی هم می‌تواند همانند آبی از لابه‌لای تخته‌سنگ‌ها عبور کرده و جامعه را به سرمنزل مقصود هدایت کند. این موضوع دستمایه گفت‌وگوی ما با حمیدرضا نوربخش، مدیرعامل خانه موسیقی قرارگرفت.

■■■

گفت‌وگوی ما با هم در شرایطی شکل گرفته که این روزها در لابه‌لای انبوهی از اخبار ناگوار حاصل از جنگ، شاهد عرضه قطعاتی توسط هنرمندان در ژانرهای موسیقی پاپ و موسیقی اصیل ایرانی بوده‌ایم که با واکنش‌های مثبتی از سوی مردم روبه‌رو شده‌اند؛ به‌عنوان مدیرعامل خانه موسیقی این فضا را چطور ارزیابی می‌کنید؟

تردیدی نیست که در روزهای گذشته، در شرایط ویژه و درعین‌حال بی‌سابقه‌ای قرار داشتیم که با هجوم و حمله وحشیانه جنایتکاران توام بوده است. آنچه در این ۴۰ روز بر سر ایران رفته، تصویری روشن و واضح است و به تمام جهان اثبات می‌کند که تمامیت ارضی‌مان در معرض دست‌اندازی و تعرض واقع شده است. از سوی دیگر، مردم در سراسر کشور، از منظر حملات و تلفات انسانی روزهای دشواری را پشت سر گذاشته‌اند. نکته تاسف‌بار این‌که در این روزها هیچ نقطه‌ای از ضربات حمله دشمن مصون نمانده؛ از دانشگاه گرفته تا بیمارستان‌ها و مراکز فرهنگی و میراثی و زیرساخت‌ها. باعث تاسف است که مدارس هم از هجوم دشمن بی‌نصیب نبوده است، کمااین که در ساعات اولیه جنگ، مدرسه میناب در استان هرمزگان هدف قرار گرفت و به‌دنبال وقوع این فاجعه، گل‌های معصومی در این مدرسه پرپر شدند. آنچه مسلم است این‌که تصویر چنین جنایتی تا ابد بر تابلوی زمانه باقی می‌ماند و دنیا چنین عملی را مورد قضاوت قرار خواهد داد که چطور اولین روز جنگ، تعداد زیادی از کودکان که سر کلاس درس حاضر شده بودند، مظلومانه به شهادت رسیدند. یکی از مولفه‌های جنگ اخیر از دید من این است که مردم به‌رغم سلایق و افکار مختلف، با عزمی جزم و وحدت یکپارچه و انسجام ملی نشان داده‌اند که هروقت کشور مورد هجوم قرارگرفته، در کنار هم برای ایران دفاع خواهند کرد. نمونه این همبستگی در روزهای اخیر به‌خوبی مشهود بوده و تا امروز، شهروندان از اقشار مختلف جامعه و به‌فراخور شرایط، توانسته‌اند به‌خوبی ایفاگر نقش خود در این زمینه باشند. درباره جامعه موسیقی نیز همین‌طور است؛ به‌همان اندازه که در دوره جنگ تحمیلی، آثاری تولید شدند که هنوز هم وقتی به این قطعات گوش می‌دهیم، خاطرات آن برهه از تاریخ برای‌مان زنده می‌شود و درعین‌حال، این آثار با خاطرات نسلی که پس از جنگ به دنیا آمده و جنگ هشت‌ساله را لمس نکرده‌اند نیز در پیوند است؛ در ۴۰ روز گذشته نیز هرکدام از هنرمندان بنا به توان و امکاناتی که در اختیار داشته‌اند، به‌ساخت تک‌آهنگ‌ها و قطعاتی پرداختند که با حال‌وهوای این روزها تناسب و سنخیت دارد. یکی از دلایلی که باعث شده این آثار در روزهای دشوار جنگ اخیر، نزد آحاد مردم با اقبال مواجه شوند این بوده که تمام این کارها رنگ‌وبوی حماسی داشته‌اند.

به‌باور خیلی‌ها، شاخصه اصلی تمام این آثار این است که از بار حماسی برخوردارند.

همین‌طوراست، تمام تولیدات موسیقایی اخیر، علاوه براین که روایتگر شرح داغ و درد هستند، رنگ‌وبوی حماسی نیز دارند. ارزشمندترین نکته دراین‌زمینه این است که تمام این آثار به‌شکل خودجوش و بدون اینکه از سوی نهاد یا ارگانی به آنها سفارش داده شود، ارائه شده‌اند. بازخوانی و همخوانی این قطعات در تجمعات گوناگون منجربه تقویت روحیه مردم شده است. به‌بیان ساده‌تر می‌توان گفت، این تولیدات توانسته‌اند با خاطرات، عاطفه، مهر و ضمیر مردم پیوند عمیقی برقرار کنند. از این رو، تاثیر و نقش موسیقی در شرایط فعلی انکارنشدنی است. خلق موسیقی حماسی در هر دوره‌ای، بر شجاعت جامعه افزوده و باعث شده تا از گردنه‌های حساس و صعب‌العبور راحت‌تر گذر کند.

در این روزها در گفت‌وگو با بعضی از اهالی موسیقی، آنها به این مساله اشاره داشتند که مرکز حفظ و اشاعه در دهه ۶۰ منجربه خلق تولیدات ارزنده و ماندگاری شد که نه‌تنها در دوره دفاع‌مقدس بارها مورد استفاده قرار گرفت که بعد از اتمام جنگ و حتی تاامروز هم یادآور آن برهه تاریخی است؛ در شرایط فعلی نهادهای مرتبط چقدر می‌توانند در سفارش و تولید این آثار نقش داشته باشند؟

ما از سال ۱۳۵۶ که بسترساز وقوع انقلاب بود با تولید چنین آثاری مواجه بودیم؛ به‌خصوص با شروع جنگ تحمیلی، هنرمندان توانستند تولیدات حماسی و سازنده‌ای در این زمینه داشته باشند. این درحالی است که بعدازانقلاب، مرکز حفظ و اشاعه از بین رفت و هنرمندان به‌صورت خودجوش اقدام به ساخت اثر کردند. درواقع نه‌تنها مرکز حفظ و اشاعه که هیچ مرکز دیگری در شکل‌گیری این آثار نقش نداشت و این مساله تنها به‌دست خود هنرمندان میسر شد. اغلب این هنرمندان هم افرادی بودند که قبلا از هنرجویان و فعالان مرکز حفظ و اشاعه به شمار می‌رفتند در حالی که در دوره جنگ، آثارشان به این مرکز مربوط نمی‌شد. این گروه از هنرمندان در دهه ۶۰، گروه‌هایی مانند «چاووش»، «عارف» و «شیدا» را بنا کردند و قطعاتی از دل این گروه‌ها برآمد که تاامروز زمزمه‌ساز لب‌های مردمی است که آن دوره را تجربه کرده و پشت‌سر گذاشتند. البته این آثار بعد از تولید تکثیر شد و از سوی رسانه‌هایی مثل صداوسیما مورد حمایت قرار گرفت. ضمن اینکه در دوره جنگ هشت‌ساله نیز صداوسیما محور چنین تولیداتی بود و از آنجایی که یک رسانه فراگیر و قدرتمند بود، طبعا توانست بازتاب گسترده‌تری داشته باشد. امروز هر هنرمند به خودی خود یک رسانه به‌شمار می‌رود و می‌تواند فعالیت‌های مناسبتی‌اش مانند ساخت قطعات در جنگ اخیر را با مخاطبان به اشتراک بگذارد و تاثیرگذاری مضاعف داشته باشد. اگرچه متاسفانه این روزها فضای مجازی مسدود است، به‌نظرم اگر شرایطی فراهم شود که فعالیت فضای مجازی به حالت قبل برگردد، می‌توان بیش از پیش شاهد عرضه کارهای هنرمندانی باشیم که در روزهای جنگ و در آماج گلوله و موشک دست از کار نکشیدند و به‌سهم خود به تقویت روحیه جمعی کمک کردند.

باتوجه به این‌که اغلب قطعاتی که تا امروز منتشر شده، متکی به تلاش‌های فردی هنرمندان بوده‌اند، خانه موسیقی چقدر می‌تواند در این زمینه به حمایت از هنرمندان در زمینه ساخت آثار بپردازد؟

خانه موسیقی هیچ‌گاه یک بخش تولیدی نبوده و اصلی‌ترین وظیفه‌اش، حمایت صنفی از هنرمندان جامعه موسیقی است. با این حال سعی می‌کنیم اگر اقدام از هنرمندان به کمک در زمینه احتیاج داشته باشند غ نکنیم و با همیاری نهادهای گر، در تولید هرچه بیشتر این نقش داشته باشیم.

یادداشت

دکتر رضا رمضان نرگسی | نویسنده و پژوهشگر

پیروزی، سرنوشت ماست ناگزیریم به پیروزی دست یابیم

ملت پرافتخار ایران! ما ایرانیان، سرنوشت خویش را با پیروزی گره زده‌ایم؛ پیروزی‌ای که تنها در گروی پایداری ما در صحنه و عدم رهاکردن خیابان‌هاست. پیش روی ملت ایران، دو راه بیشتر نیست: یا فوز عظیم پیروزی، یا شکست کامل و نابودی. راه سومی وجود ندارد؛ یا اقتدار و سربلندی ابرقدرت‌شدن، یا زوال و فنای ایران. اگر تن به مذاکره و صلح دهیم، تمامی قول‌وقرارهای ظاهری آمریکا، که تنها بر کاغذ نقش بسته، ارزشی نخواهد داشت. چگونه می‌توان به کشوری اعتماد کرد که حتی تعهدات بین‌المللی خود با دوستانش را زیر پا می‌گذارد؟ یا به اسرائیل، که تاکنون به هیچ‌یک از وعده‌هایش پایبند نبوده است؟ ملت ایران! اگر صلح را انتخاب کنیم، حتی اگر وعده جبران خسارت نیز داده شود، در عمل حتی یک دلار نیز دریافت نخواهیم کرد. زیرا سازمان‌های جهانی، در چنین مواقعی، همواره جانب قدرت را می‌گیرند. صلح ایران، نشانه ضعف تلقی شده و در عمل هیچ سرمایه‌ای عاید کشور نخواهد شد. پیامدهای فقدان سرمایه پس از جنگ، تورم سرسام‌آور، هزینه‌های سرسام‌آور زندگی و گسترش خفقان‌آور فقر را به دنبال خواهد داشت. ملت شریف ایران! اگر صلح کنیم، همواره سایه شوم جنگ بر سر ما باقی خواهد ماند. اما اگر با قدرت به دفاع روی آوریم، چه رخ خواهد داد؟ ملت ایران! نظامیان ما اکنون بر اوضاع مسلط بوده و به اعتراف دوست و دشمن، ایران در عرصه نظامی دست برتر را دارد. این‌که می‌بینید دشمن، زدن زیرساخت‌ها را تهدید می‌کرد، نشان از دست خالی او در عرصه نبرد است؛ ناتوانی در بازگرداندن اوضاع به نفع خود. دشمن می‌خواهد با تخریب زیرساخت‌ها، نظام و مسئولان را، علی‌رغم برتری نظامی ایران، وادار به تسلیم کند. ملت ایران! هرچند زیرساخت‌های ما مورد تهاجم قرار گیرند، پس از پیروزی، با غرامتی که با قاطعیت از اعراب حاشیه خلیج‌فارس و عربستان دریافت خواهیم کرد، تمامی آنها را بهتر از پیش بازسازی خواهیم نمود. با درآمدهای حاصل از تنگه هرمز نیز، رفاه مادی بی‌سابقه‌ای برای ایرانیان رقم خواهیم زد. با پیروزی در جنگ، ایران به جایگاه نخست جهان ارتقا خواهد یافت و پس از آن، هیچ قدرتی جرات تهدید ایران را نخواهد داشت. با نابودی اسرائیل و اخراج آمریکا، منطقه روی آرامش را خواهد دید و خبری از ترورها و انفجارات نخواهد بود. ملت ایران! من هیچ نگرانی از بابت نیروهای مسلح ندارم. تنها دغدغه من و تمام دلسوزان نظام، سکوت و انفعال مسئولینی است که عزیزانی در خارج از کشور دارند یا صرفا در پی آسایش موقت چهارساله خود هستند. این افراد به‌خوبی می‌دانند که هرگونه صلح با آمریکا، به‌معنای شعله‌ورشدن مجدد جنگ است. لذا اگر تن به صلح دهند، تنها و تنها برای منافع شخصی یا دفع موقتی خطر از خودشان خواهد بود. ملت ایران! تنها راه مقابله با این دغدغه، حضور همیشگی شما در صحنه است. با حضور مستمر خود، به مسئولان پاک‌سرشت قوت قلب دهید و جلوی آن دسته از مسئولینی که فرزندان‌شان در خارج اقامت دارند یا منافعی در آن سوی مرزها دارند را بگیرید. پس، با قلبی مملو از امید و اصرار، از شما همگان تقاضا می‌کنم: خیابان را رها نکنید! خیابان را رها نکنید! خیابان را رها نکنید!